

کلام را در ذات حضرت حق سبحانه و تعالی نمی بینیم را کبوی که  
تجدیدها بعبده الانبیاء و الملائکه است باشد تا حواسمانه و  
صفاته و راضی باش را بیان با بفریک اصحاب اربعه موصوفانه مقرر  
فلاح بلکه صفت فوز و فلاح محض است در بیان جنبه از مفتح  
سوره بقره ظاهر میگرد و و اخترازی که از او نام فاسده کنی که خود  
مصداق کریمان الذین کفر و الی قولهم و لهم عذاب عظیم دانند و برین  
فخر و افتخار دارند با آنکه علم بر ذریع است علم فعلی و علم انفعالی علم  
انفعالی تابع معلوم است و بعد از آن علم فعلی قبل از معلوم است  
و مشروح آن مثال علم انفعالی علم است بوجود زنده مثلا بعد از وجود  
و مثال علم فعلی تصور معمار است صورت عمارت را از پیش از شروع  
در عمارت و چون فضا و قدر قبل از وجود موجود است و اصل است  
و جنبه فاعلی قدر جاری گشته بر طبق آن اشیاء بوجود آمده و می آید  
و جنبه القلم با هوکامین ناظر همین است و مشهور است بوجوهی درین  
صورت تشبیه جمعی که از قدم علم قدم معلوم را تهیه عالم را قدیم  
رشته اند بر طرف خواهرت موجود و شاد عالم موجب تفضل صفت علم  
خواهر بود که صفات الهی زمانه نیست جنبه بعضی عمارت در صفت  
خلق و مخلوق و تکوین و مکنون همچنین گفته اند و از اینجا مفهوم گشت که

مخصصی

مخصصی و خود عالم در لایزال اراده و علم الهیت و از لایزال  
بجز امکان از لایزال است و اگر در تمام حکمیه باله آن عقل عاجز باشد  
دور نیست و در اینجا کلام است که مقام عمل آن ندارد بداند که تصور  
وجود عالم الهی که پیش صوفیه سوار وجود خارجی و فاعلی است و نسبت  
وجود خارجی با آن نسبت وجود ذمی است قیاس وجود خارجی بخرید  
اجز اقرب است از غیر اول هر چند که زنی را گمان عکس است یعنی  
مکتوبات شیخ قطب محمدی تهرانی است با اختیار طریق ثانی و یکی  
یعنی از فرقه وجودیه نیست بلکه تفریح نموده که معرفت وجودیه در  
عظمت است که در میان افشاده است و دو کفر شیخ کور اسلام  
شیخ سید است و باز بمیان تمام از مطالع بقای شیخ  
ابن عربی منع نموده جنبه آن مکتوب بعینه در خاتمه آورده  
خواهرت انشا الله تعالی و جمعی که تخریر بنده است این جامع را مال  
و بیولی بیان میکنند در حقیقت طریق علیجه نذر از ملک آن کلام  
میوی کی ازین دو عاید میگرد بلکه مال هر یک است و مشهور است  
قول باطلاق وجود و تقیدات است و همین این کلام بر علم انفعالی  
و تطبیق آن بر فعلی خالی از تکلیف خواهد بود و اگر اصح می باشد  
است که شیخ و عقل موافق باشد و تعارض نماید و از جمله

الذین هم